

دروغهای روافض در مورد عمرو بن عاص

نویسنده: مجاهد دین

منبع: [/http://islamtxt.net](http://islamtxt.net)

یکی از اصحاب بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه وسلم، عمرو بن عاص می باشد که متأسفانه این صحابی جلیل القدر همانند دیگر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم، مورد ظلم و ستم و دروغ و بهتان های روافض قرار گرفته است. عمرو بن العاص از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم و دارای محاسن و فضایل بسیاری است و از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم درباره وی می فرمایند: «ابنا العاص مؤمنان: هشام و عمرو» ترجمه: دو پسر العاص مومن هستند: هشام و عمرو. البانی در صحیح الجامع (45) می گوید صحیح است.

و نیز عقبه بن عامر رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند «أسلم الناس، وآمن عمرو بن العاص». ترجمه: مردم اسلام آوردند و عمرو بن العاص ایمان آورد. البانی در تخریج مشکاة المصابیح (6197) می گوید: إسناد آن حسن و برای آن شاهی دیگر است.

و این شهادت رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر مومن بودن و بهشتی بودن عمرو بن عاص رضی الله عنه می باشد، چون رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «لا يدخل الجنة إلا نفس مؤمنة» (متفق علیه) ترجمه: جز نفس مومن هیچ کسی وارد بهشت نمی شود.

و آنگاه که بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه وسلم، قبایل عرب از اسلام برگشتند، سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه، خلیفه رسول خدا صلی الله علیه وسلم، ایشان را به سمت قبیله قضاعه در شمال اعزام نمود و در زمان خلافت امیر المومنین عمر بن خطاب، فاتح و حاکم مصر بودند و بعد از فتح فلسطین، توسط فرمانده کل سپاه اسلام در آن زمان، ابو عبیده بن جراح، حاکم فلسطین شدند.

همچنین عمرو بن عاص در جنگ بزرگ یرموک در سال 15 هجری، فرمانده سمت راست سپاه بود و پیروزی جنگ یرموک را، مدیون دلاوری های این فرمانده ی اسلام هستیم. عمرو ابن عاص یکی از فاتحان بزرگ اسلام بود که شهرهای سبسطیه واقع در شمال غربی نابلس، نابلس، اللد و اطراف آن، یبنی، عمواس، بیت جبرین، رفح، یافا و عسقلان را فتح کرد. او در زمان خلافت سیدنا ابوبکر رضی الله عنه نیز توانسته بود غزه را فتح کند و قیساریه را به محاصره درآورد و عمرو بن عاص، قدس (بیت المقدس) را محاصره کرد و مردم قدس

درخواست صلح نمودند و بدین ترتیب توسط این صحابی بزرگ بیت المقدس فتح شد و سیدنا عمر بن خطاب رضی الله عنه، شخصا برای نوشتن صلح نامه عازم قدس گردید. و این فاتح بزرگ و صحابی جلیل القدر، همچنین مصر را نیز فتح نمود و پرچم توحید و یکتا پرستی را در آنجا بلند نمود.

این صحابی بزرگوار در خدمت دین اسلام بوده و برای نشر دین اسلام به مردم جهان، تلاش فراوانی کرده است. اما روافض مجوسی که کینه قدیمی با اسلام و فتوحاتشان دارند و آتشکده هایشان توسط فتوحات همین اصحاب خاموش شده است، لذا برای دشمنی و ضربه زدن به اسلام، با شعار محبت اهل بیت و مخفی نمودن خود پشت علی بن ابی طالب، می خواهند به اصحاب بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه وسلم تهمت بزنند.

در جنگ صفین که موضوع و علت جنگیدن این دو طایفه از مسلمین به علت قصاص از قاتلان خلیفه مظلوم سیدنا عثمان رضی الله عنه بود، و همواره فتنه گران و رافضیان امروز در آن زمان نیز عامل جنگ و شعله ور نمودن آن بوده اند و بحث در این باره به مقاله ای دیگر احتیاج دارد؛ اما در اینجا قصد داریم یکی از دروغ های روافض مبنی بر اینکه عمرو بن عاص رضی الله عنه با سیدنا علی بن ابی طالب رضی الله عنه جنگیده و عمرو بن عاص برای نجات خود، خود را لخت کرده تا اینکه علی بن ابیطالب به عورت او نگاه نکند و در نتیجه او را نکشد!!!!

مضحک بودن این دروغ و مسخره بودن آن، به اندازه ی کافی حماقت روافض و کذابان تاریخ را نشان می دهد، اما برای اینکه از لحاظ سندی نیز این شبهه مضحک را جواب بدهیم، اسناد آن را بررسی می کنیم.

1- این دروغ مضحک و قبیح را روافض قبح الله وجههم در طول زمان روایت کرده اند و بدون شک ما می دانیم روافض اکذب الناس هستند که دروغ گویی را جزو اکبر عباداتشان می دانند.

این کذب قبیح را «نصر بن مزاحم الکوفی» در کتاب «وقعة صفین» صفحه 406-408 روایت کرده است و این شخص از رافضی ترین روافض عصر خود بوده است و توسط علمای اهل سنت به طور کامل رد شده است.

نصر بن مزاحم می گوید: فلما خرج للمبارزة مكرهاً وشد عليه عليُّ المرهوبة، رمى عمرو بنفسه عن فرسه، ورفع ثوبه وشَعَرَ برجليه فبدت عورته فصرف عليُّ وجهه عنه وقام معفرًا بالتراب هاربًا على رجليه، معتصمًا بصفوفه».

معلومات این راوی را در لینک زیر نیز می توانید مشاهده کنید:

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=32760>

- 1- أبو أحمد بن عدي الجرجاني: أحاديثه غالبها غير محفوظة
- 2- أبو جعفر العقيلي: كان يذهب إلي التشيع وفي حديثه اضطراب وخطأ كثير
- 3- أبو حاتم الرازي: واهى الحديث، متروك الحديث، لا يكتب حديثه، كان شبه عريف، مات قبل دخولنا الكوفة
- 4- أبو حاتم بن حبان البستي: ذكره في الثقات
- 5- أبو يعلى الخليلي: ضعفه الحفاظ جدا، ومرة: لين
- 6- أحمد بن صالح الجيلي: كان رافضيا غالبا، ليس بثقة ولا مأمون
- 7- إبراهيم بن يعقوب الجوزجاني: زائغ عن الحق مائل
- 8- ابن عراق: رافضي جلد، تركوه
- 9- الدارقطني: ضعيف
- 10- الذهبي: رافضي جلد، تركوه
- 11- زهير بن حرب النسائي: كذاب
- 12- صالح بن محمد جزرة: يروي عن الضعفاء أحاديث مناكير

2- همچنين اين دروغ را محمد بن سائب الكلبي نیز روایت کرده که رافضی و کذاب می باشد و السهيلي (المتوفى: 581هـ) در کتاب «الروض الأنف» جلد 5 صفحه 319 آن را از قول ابن کلبی روایت کرده است. خلاصه معلومات این راوی را در لینک زیر می توانید مشاهده کنید:

<http://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=6845>

اسم: محمد بن السائب بن بشر بن عمرو بن الحارث الكلبي، أبو النضر الكوفي، النسابة المفسر رتبته عند ابن حجر: متهم بالكذب، و رمى بالرفض

رتبته عند الذهبي: قال البخاري: تركه القطان و ابن مهدي
قال المزي في تهذيب الكمال: قال أبو بكر بن خلاد الباهلي، عن معتمر بن سليمان، عن
أبيه: كان بالكوفة كذابان أحدهما الكلبى. و قال عباس الدورى، عن يحيى بن معين: ليس
بشئ. و قال معاوية بن صالح، عن يحيى بن معين: ضعيف. و قال الأصمعى، عن أبى عوانة:
سمعت الكلبى يتكلم بشئ من تكلم به كفر. و قال عبد الواحد بن غياث، عن ابن مهدي:
جلس إلينا أبو جزء على باب أبى عمرو ابن العلاء فقال: أشهد أن الكلبى كافر.
و قال زيد بن الحباب: سمعت سفيان الثورى يقول: عجا لمن يروى عن الكلبى. و قال أبو
حاتم: الناس مجمعون على ترك حديثه، لا يشتغل به، هو ذاهب الحديث. و قال النسائى: ليس
بثقة و لا يكتب حديثه.

قال الحافظ في تهذيب التهذيب 9 / 180: و قال على بن الجنيد، و الحاكم أبو أحمد، و
الدارقطنى: متروك. و قال الجوزحانى: كذاب، ساقط. و قال ابن حبان: وضوح الكذب فيه
أظهر من أن يحتاج إلى الإغراق فى وصفه، روى عن أبى صالح التفسير، و أبو صالح لم يسمع
من ابن عباس، لا يحل الاحتجاج به. و قال الساجى: متروك الحديث، و كان ضعيفا جدا
لفرطه فى التشيع، و قد اتفق ثقات أهل النقل على ذمه و ترك الرواية عنه فى الأحكام و
الفروع. قال الحاكم أبو عبد الله: روى عن أبى صالح أحاديث موضوعة.

مشاهده مى كنيم كه اين راوى دروغگو مى باشد و روايت مذكور فاقد اعتبار است و احتجاج
به آن جايز نيست.

جنگ بين سيدنا على بن ابى طالب رضى الله عنه با معاويه و عمرو بن عاص رضى الله
عنهما به خاطر اختلاف نظر در مبحث قصاص سيدنا عثمان بود كه على رضى الله عنه در
اينباره در نهج البلاغه مى گويد: وكان بدء أمرنا أنا التقينا والقوم من أهل الشام، والظاهر أن
ربنا واحد ونبينا واحد، ودعوتنا في الإسلام واحدة، ولا نستزيدهم في الإيمان بالله والتصديق
برسوله، ولا يستزيدوننا، الأمر واحد إلا ما اختلفنا فيه من دم عثمان ونحن منه براء

اسم الكتاب: نهج البلاغة ت الحسون المؤلف: الشريف الرضي. الجزء: 1 صفحة: 735

<http://ar.lib.eshia.ir/30080/1/735>

ترجمه: آغاز کار این بود که ما با اهل شام روبرو شدیم و ظاهر حال این بود که پروردگار ما
يکي پیامبرمان يکي و در دعوت به اسلام متحدیم نه ما از آنها خواستار بیش از ایمان به خدا

و تصدیق پیامبر بودیم و نه آنها از ما. ما در همه جهت یکی بودیم تنها اختلاف در مورد خون عثمان بود. در حالیکه ما از آن بری بودیم و دست ما به آن آلوده نشده بود.

و خداوند هم می فرماید: (وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا) [الحجرات: 9] ترجمه: و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر به جنگ بر خاستند، میانشان آشتی بر قرار کنید.

اما روافض، در پشت شعار های اسلامی و با ادعای محبت اهل بیت، می خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند و از اختلافات بین اصحاب سوء استفاده کنند و بدون شک، علی و اهل بیت از این روافض مجوسی بریء و بیزار است و این ها همه اثرات خاموش شدن آتش کده هایشان است که توسط اصحاب رضی الله عنهم، سرزمینشان فتح شد و تار و مار گشتند. اما برای ضربه زدن به اسلام با نشر اکاذیب و خرافات می خواهند با طعنه زدن به اصحاب، به صاحب این شریعت، محمد صلی الله علیه وسلم طعنه بزنند.

شبهه دیگر رافضی:

پس از صلح امام حسن علیه السلام با معاویه امام علیه السلام به سخنرانی پرداختند. سپس عمرو بن العاص به جهت اعتراض به سخنان امام نزد ایشان آمد: فأقبل عليه عمرو بن العاص. فقال له الحسن: أما أنت فقد أختلف فيك رجلان: رجل من قریش. وجزار أهل المدينة. فادعياك فلا أدري أيهما ابوك. طبقات الكبرى لابن سعد ج 6 ص 382-383، طبعة مكتبة الخانجي بالقاهرة - تحقيق: الدكتور علي محمد عمر

ترجمه: امام حسن علیه السلام خطاب به عمرو بن العاص گفتند: مگر تو همان شخص نیستی که دو مرد درباره ی تو به کشمش پرداختند؟! مردی از قریش و مردی از اهالی مدینه و هر دو مدعی پدری تو شدند و معلوم نشد کدامشان پدر توست!

سند این روایت صحیح هست و تمام روای آن از ثقات اهل سنت میباشد: یزید بن هارون: قال أبو حاتم الرازي: یزید: ثقة، امام، لا یسأل عن مثله. سیر أعلام النبلاء ج 9 ص 360. حریر بن عثمان: وقال یحیی بن معین، وجماعة: ثقة. سیر أعلام النبلاء ج 7 ص 81. عبد الرحمن بن أبي عوف الجرشي: قال السلمی: سألت الدارقطني عن ابن أبي عوف، فقال: ثقة موسوعة

أقوال أبي الحسن الدارقطني في رجال الحديث وعلله ج 2 ص 402. لذا سند روایت کاملاً صحیح است.

پاسخ به این روایت:

در سند این روایت جریر بن عثمان وجود دارد که رافضی می باشد (نه حریر بن عثمان) و این روایت را جعل کرده است، اما در تصحیف کتاب، نام جریر بن عثمان با نام حریر بن عثمان تغییر یافته که در نسخه های اصلی و تحقیق محققان آن کتاب ها، آنها نیز به این تصحیف اشاره کرده اند.

برای مثال در تاریخ دمشق ابن عساکر چنین آمده که در آن، راوی جریر بن عثمان وجود دارد: سند چنین است: إسحاق بن سلیمان عن جریر بن عثمان عن عبد الرحمن بن أبي عوف عن الحسن بن علي...

در لینک زیر آن را ببینید:

نام کتاب: تاریخ دمشق لابن عساکر نویسنده: ابن عساکر، أبو القاسم جلد: 46 صفحه:

59

<http://lib.efatwa.ir/40314/46/59>

همچنین در طبقات کبری ابن سعد نیز، جریر بن عثمان از عبد الرحمن بن ابی عوف روایت دارد، برای مثال: أَخْبَرَنَا يَزِيدُ بْنُ هَارُونَ قَالَ: أَخْبَرَنَا جَرِيرُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَوْفٍ الْجُرَشِيِّ. نام کتاب: الطبقات الكبرى ط العلمية نویسنده: ابن سعد جلد: 7 صفحه:

309. [/http://lib.efatwa.ir/40237/7/309](http://lib.efatwa.ir/40237/7/309)

قَالَ أَبُو الْيَمَانِ عَنْ جَرِيرِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَوْفٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ... نام کتاب: الطبقات الكبرى ط العلمية نویسنده: ابن سعد جلد: 7 صفحه

313 : [/http://lib.efatwa.ir/40237/7/313](http://lib.efatwa.ir/40237/7/313)

أَخْبَرْتُ عَنْ أَبِي الْيَمَانِ الْحَمَاصِيِّ عَنْ جَرِيرِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَوْفٍ... نام کتاب: الطبقات الكبرى ط العلمية. نویسنده: ابن سعد جلد: 7 صفحه:

293 <http://lib.efatwa.ir/40237/7/293>

و در طبقات کبری نیز روایت مورد بحث ما، از جریر بن عثمان آمده است: در لینک زیر روایت مذکور را در متمم طبقات کبری مشاهده کنید:

<http://shamela.ws/browse.php/book-1689/page-216>

و به علت شهرت و شناخته شده بودن حریر بن عثمان که ناصبی هم هست، در بعضی چاپ های جدید و کتاب های نوشته شده بعد از آنها، جریر بن عثمان تبدیل به حریر بن عثمان شده است و این اشتباهی در نسخه برادری بوده که بسیاری از محققان کتاب ها نیز در پاورقی به تصحیف این مورد اشاره کرده اند.

اما جایگاه جریر بن عثمان: در نزد اهل سنت ایشان، مجهول است: در این لینک معلومات این راوی را مشاهده کنید:

<https://library.islamweb.net/hadith/RawyDetails.php?RawyID=13581>

در نزد تشیع: ایشان از اصحاب امام صادق هستند

در این لینک:

[/http://www.almilani.com](http://www.almilani.com)

ابن حجر عسقلانی در ترجمه جریر بن عثمان چنین می نویسد: [417] " - جریر " بن عثمان من أهل المدينة ذكره أبو عمرو الكشي في رجال الشيعة من الرواة عن جعفر الصادق رحمه الله تعالى وقال كان فقيها صالحا أعرف الناس بالمواريث قلت وهذا شديد الالتباس بحرير بن عثمان الرحبي المخرج له في الصحيح ذاك بالمهملة وله ثم الزاي وهذا كالجادة وذاك ناصبي وهذا رافضي.

ترجمه: جریر بن عثمان اهل مدینه، کُشی او را در رجال شیعه ذکر کرده و از جعفر صادق رحمه الله روایت کرده و کُشی گفته: او فقیه و صالح و از همه بیشتر به علم مواریث آگاه بود. می گویم (ابن حجر): و این شخص بسیار شدید الالتباس است با حزیر بن عثمان رحبی که در صحیح روایت دارد؛ این یکی (حزیر) ناصبی است و آن یکی (جریر) رافضی.

نام کتاب: لسان المیزان نویسنده: ابن حجر العسقلانی جلد: 2 صفحه: 103.

<http://lib.efatwa.ir/40424/2/103>

پس روایتی که در آن طعنه به نسب عمرو بن عاص رضی الله عنه زده شده است، ضعیف است و در سند آن، راوی رافضی وجود دارد و بدون شک این اکاذیب تنها از دست روافض بر می آید و هیچ گاه حسن بن علی و خود علی بن ابی طالب، دشمنی شان با عمرو بن عاص بر سر دین و یا اینکه یکی از طرفین دیگری را کافر بداند نبوده است؛ بلکه تنها بر سر قصاص خون سیدنا عثمان رضی الله عنه اختلاف کرده اند.

اما همانطور که قبلا نیز گفتم، روافض چه در آن زمان چه در این زمان، عامل اصلی فتنه و آشوب و روشن کردن جنگ و پخش چرندیات و اکاذیب بوده و هستند و خواهند بود؛ پس ما نیز اکاذیب روافض را بر ملا کرده و مکرشان را برای همگان روشن می کنیم و محبت و احترام به اصحاب رضی الله عنهم را واجب شرعی می دانیم.